

از آن جایی که هفته گذشته پر از اتفاقات فوتبالی مختلف بود، در نتیجه ما تصمیم گرفتیم اطلاعات فوتبالی شما را بر اساس سخنان کارشناسان فوتبال، کمی ارزیابی کنیم.

■ حاج رضایی، کارشناس فوتبال: اعتماد به نفس اسکوچیچ را کردیم.

- ⬅ الف) خط خطی
- ⬅ ب) کپروشی
- ⬅ ج) نوتلایی
- ⬅ د) خدشه دار

■ تا شروع مسابقات مقدماتی مانده و زمان ماست.

- ⬅ الف) بیش از ۳ ماه-علیه
- ⬅ ب) حدود ۲ ماه-به نفع
- ⬅ ج) کمتر از ۲ ماه-علیه
- ⬅ د) ماه هشتم دیدن نتایج

■ چرا نباید خوشحال شویم که با عربستان هم گروه شده ایم؟

- ⬅ الف) اون جا گرمه ما نمی تونیم.
- ⬅ ب) اگه برق هاشون رفت چی؟
- ⬅ ج) من میگم عربستان قویه!
- ⬅ د) فوتبال ایران برتر از آن هاست.

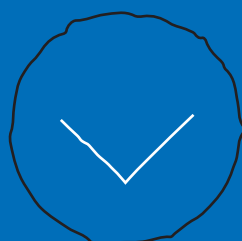
■ درسی که ما از مسابقات یورو می گیریم چیست؟

- ⬅ الف) ایتالیا همیشه برنده است.
- ⬅ ب) سوئیس ها هم می تونن غمگین بشن.
- ⬅ ج) کوکا نخوریم ضرر داره.
- ⬅ د) قرعه آسان وجود ندارد.

کاریکاتور

سید محمد جواد طاهری

تذکره البزرگان



ذکر مدیرنا

عیسی کلانتری علیه الرحمه

محمدرضا معلمی

۳۴۰ | ۲ دقیقه
کلمه زمان مطالعه

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

آن سالک قاعد، آن زاهد عابد، آن نظاره گر، آن دلیر، آن تمثال مطالای حیا و شرف، آن شهره به هر کوی و هر برزن و هر گذری، مولانا خواجه عیسی کلانتری که وزیر اسبق بود و معاون لاحق و کس را به احوال آب و درخت و گل و گیاه مملکت وقوف نبود مگر آن که از علم او کمتر باشد.

و از شیخ کبیر زمان حسن روحانی سوال شد که در مداومت بر نشستن بر صندلی چه کسی را از خود بالاتر یافتی؟ گفت بر صندلی ننشستم مگر به یاد استادم عیسی کلانتری که بر این طریقت یگانه بود و جهد تمام داشت.

و در دلیل توبه او آورده اند که بسیار به اراضی مختلف کشور از جمله تالابها و جنگلها و هر جا که مربوط به محیط زیست بود سر می زد و بررسی میدانی می کرد و پیوسته در سرکشی بود و قدم از قدم بر نمی داشت مگر در حالت دودیدن و چون به جنگلی سوخته رسید، زاهدی دید میانه جنگل نشسته، آرام، نجواکنان می گوید: ای عیسی! اگر این دودین ها در راه خدا بود به منزلت من می رسیدی و اخبار بر تو نشسته عرضه می شد. چون این سخن بشنید نشست و دیگر هیچکس او را ایستاده ندید.

و تالابها و رودها و رودخانه ها و دریاچه ها به تمامی هر چه بود در دوران صدارت او بخشکید و بارانی نیامد مگر آن که سیل شد. نقلی است که بعد از این وضعیت تنی چند از اصحاب از او پرسیدند این کرامت از چه یافتی؟ و شیخنا که به صداقت مشهور بود گفت والا خودم نمی دونم شاید زان سبب باشد که شبی در کوچه ای سگی تشنه دیدم و بطری آب خود به او ندادم و او آب نیافت تا ببرد. گفتند چرا آب به او ندادی؟ گفت خواستم زودتر از رنج این دنیا خلاصی یابد. و نیز نقلی است که چون حال محیط زیست کشور را چنین دید گفت بعد از این آب بر من حرام است و من آب ننوشم تا این وضعیت درست شود و بعضی اصحاب گفته اند که او را در حال خوردن نوشابه دیده اند.

رعایت بابا شاعر

مصطفی صاحبی

۱۱۰ | ۲ دقیقه
کلمه زمان مطالعه

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

درگیر وامیم و از این جهت چهار رباعی ساختم.

یک وام بدون سود تقدیم تو باد
یک ضامن بار خود تقدیم تو باد

یک وام قشنگ و خوب و قرض الصنه
با سر عت باد از خود تقدیم تو باد

وامی همداش دلار تقدیم تو باد
یک ضامن مایدار تقدیم تو باد

گویند که اخطای است امضای رئیس
آن لحظه هزار بار تقدیم تو باد

پولی به مثال قند می خواهم من
میلونی بایست و چند می خواهم من

وامی که ندانند بدون ضامن
یک ضامن کارمند می خواهم من

آن قصر که جیشید در او جام گرفت
در استخرش همیشه آرام گرفت

ای کاش که بود ما را چون می شد
با آن سندن دوست تا وام گرفت